

روایت، فاقد سند معتبر است و در دلالت بر لزوم ترجیح به موافقت با کتاب و سنت قاصر نیست؛ لکن قدری اندماج و بهم ریختگی در ادامه نقل روایت وجود دارد، لکن به جهت مورد نظر لطمه نمی‌زند.

ضمناً روایت مورد بحث نافی ترجیح به بقیه سنجها نیست؛ از این رو باید آن را در کنار مثل روایت ابن‌حنظله قرار داد و در همان راستا معنا کرد.

6. ترجیح به أحدث بودن¹

گفته شده: احداث بودن صدور روایت نسبت به زمیل معارض خود، در برخی روایات از سنجه‌های ترجیح قلمداد شده است. روایت مورد نظر به قرار ذیل است:

1. «و عن محمد بن یحیی عن احمد بن محمد بن عیسی عن الحسن بن محبوب عن هشام بن سالم عن ابی عمرو الکنانی قال: قال لی أبو عبدالله (علیه السلام): یا باعمرو! آرایت لو حدثتک بحديث أو أفیتتک بفتیا ثم جئتنی بعد ذلك فسألتنی عنه فأخبرتک بخلاف ما كنت أخبرتک أو أفیتتک بخلاف ذلك، بأيهما كنت تأخذ؟ قلت: بأحدثهما و أدع الآخر، فقال: قد أصبت یا باعمرو! أبی الله إلا أن یعبد سراً أما و الله لئن فعلتم ذلك إنه لخیر لی و لکم أبی الله عز و جل لنا فی دینه الا التقیة»².

2. «و عنه عن أبیه عن عثمان بن عیسی عن الحسن بن المختار عن بعض اصحابنا عن أبی عبدالله (علیه السلام) قال: آرایتک لو حدثتک بحديث العام ثم جئتنی من قابل فحدثتک بخلافه، بأيهما كنت تأخذ؟ قال: كنت آخذ بالآخر، فقال لی: رحمک الله»³.

3. «و عنه، عن ابیه، عن اسماعیل بن مرار عن یونس، عن داود بن فرقد، عن المعلی بن خنیس قال: قلت لأبی عبدالله (علیه السلام): إذا جاء حدیث عن اولکم و حدیث عن آخرکم بأيهما نأخذ؟ فقال: خذوا به حتی یبلغکم عن الحی فان بلغکم عن الحی فخذوا بقوله قال: ثم قال أبو عبدالله (علیه السلام): إنا - والله - لا ندخلکم الا فیما یسعکم»⁴.

1. در پیوند با این سنجه، اخیراً مقاله‌ای قابل استفاده از آقایان ابوالقاسم ولی‌زاده و محمد مهدی ولی‌زاده با عنوان «ترجیح روایت به سبب احداثیت» در فصل‌نامه **جستارهای فقهی و اصولی**، شماره 14، بهار 1398 از صص 38-7، چاپ شده است. نتیجه‌ای که نویسندگان مقاله از کار خود گرفته‌اند این است:

«از مجموع این مناقشات روشن شد که قلمرو دلالت روایات با بحث ترجیح و کشف حکم واقعی مغایرت دارد و نظر کسانی صحیح است که روایات را در مقام بیان وظیفه عملی فعلی مکلف و تعیین زمان حکم واقعی و تقیه عملی دانسته‌اند؛ چون احکام شرعی و شرایط تقیه به حسب مقتضیات زمان و مکان تغییر پذیرند؛ بنابراین احداثیت، تأثیری در ترجیح ندارد و تقدیم احداث در موارد مختلف می‌تواند علل متعددی داشته باشد از جمله: عمل به وظیفه فعلی، مخالف عامه بودن احداث یا ناسخ بودن آن» (همان، ص 35).

2. وسائل الشیعة، ج 27، صفات القاضی، باب 9، ص 112، حدیث 17.

3. همان، ص 109، حدیث 7.

4. همان، حدیث 8.

4. «و عن عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد عن عثمان بن عيسى عن أبي أيوب الخزاز عن محمد بن مسلم عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: قلت له: ما بال أقوام يروون عن فلان و فلان عن رسول الله (صلى الله عليه و آله) لا يهتمون بالكذب فيجيء منكم خلافه؟ فقال: إن الحديث ينسخ كما ينسخ القرآن»⁵

5. «و عن علي بن ابراهيم عن أبيه عن ابن أبي نجران عن عاصم بن حميد عن منصور بن حازم عن أبي عبدالله (عليه السلام) - في حديث - قال: قلت: أخبرني عن أصحاب محمد صدقوا علي محمد (ص) أم كذبوا؟ قال: بل صدقوا، قلت: فما بالهم اختلفوا؟ قال: إن الرجل كان يأتي رسول الله (ص) فيسأله المسألة فيجيبه فيها بالجواب ثم يجيئه بعد ذلك ما ينسخ ذلك الجواب فنسخت الاحاديث بعضها بعضا»⁶

در ادامه به بررسی سندی و دلالی روایات می‌رسیم.

موقعیت فقهی و اصولی این سنجه برای ترجیح

در این باره گفته شده (با تلخیص):

«مشهور دانشیان⁷ علم اصول، احديث را به عنوان مرجح نمی‌پذیرند. البته بسیاری از جمله شیخ انصاری، آخوند خراسانی و محقق نایینی متعرض این مرجح نشده‌اند. گویا سرّ این امر، عدم دلالت روایات یا عدم التفات به آن‌ها [!؟] می‌باشد. در این میان، شیخ صدوق، صاحب حدائق، فاضلین نراقی و محقق سیستانی، ترجیح به احديث را می‌پذیرند. بلکه برخی معاصران مانند طباطبائی قمی، مرجح را منحصر در احديث دانسته و هیچ یک از مرجحات دیگر را مورد پذیرش قرار نمی‌دهد»⁸

به دلیل عدم تاثیر تتبع بیشتر در برآیند گفتگو از مسأله در بخش تتبع به همین مقدار اکتفا می‌کنیم.

البته برخی از این نسبت‌ها مورد تامل بلکه ناصحیح است!

5. همان، باب 14، ص 208، حدیث 2.

6. همان، حدیث 3.

7. !؟

8. جستارهای فقهی و اصولی (به وصف سابق)، ص 9 و 10.